

راز "تمدن سفید" یونان

جمشید جمشیدی

اگر دقت کرده باشید تمام آثار هنرهای تجسمی (مجسمه ها) و بناهای به جای مانده یونان باستان سفید رنگ هستند، مرمر سفید و صیقل شده. من خودم در فرصت هائی هنگامی که مجسمه ها را می دیدم فکر می کردم شاید یونانی های باستان آنقدر از تمدن بالائی بهره مند نبودند که فرهنگ لباس پوشیدن را بدانند، همیشه نیمه برهنه و بسیاری از اوقات هم تمام برهنه ظاهر می شوند. اما راز سفیدی در آثار هنری یونانی های باستان در کجاست؟ اگر این آثار در اصالت خود سفید نبوده اند چرا به سفید پیکر و صیقل یافته ظاهر شده اند؟

پاسخ به این پرسش های بسیار مهم را در گزارشی که فرستاده رسانه نیمه دولتی ان.اچ.کی NHK ژاپن از موزه بزرگ انگلیس تهیه کرده و در تاریخ اول ژوئیه ۲۰۱۲ از سیمای این رسانه پخش شد می توان جستجوی کرد.

گزارشگر مخصوصاً از انبار موزه دیدن می کند و از رازهای بسیار شگفت و مهمی پرده بر می دارد. جهت آگاهی خواننده در موزه بزرگ انگلیس بیش از هشت میلیون قطعه آثار با ارزش هنری و فرهنگی وجود دارد که همیشه تنها ده درصد آن ها به معرض نمایش گذاشته می شود. وسعت انبار موزه از خود سالن موزه وسیع تر و با تجهیزات بسیار مدرن به حفاظت آثار پرداخته می شود. آثار مربوط به تمدن یونان باستان بالغ بر نود هزار قلم برآورد می شود. این موزه در سال ۱۷۵۳ تاسیس و اکنون سالانه حدود ۶ میلیون نفر از این موزه بازدید می کند. یونانی ها از تاریخ حدود ۲۷۰۰ ساله برخوردارند و حدود پانصد سال اول آن حاوی دست آوردهای فرهنگی و اجتماعی با ارزشی بوده است. در طول زمان این پانصد سال است که هنرهای تجسمی بخصوص مجسمه سازی و بنای کاخ ها و نیایشگاه ها در این خطه رواج داشته است.

برای اولین بار پژوهشگر باستان شناس آلمانی یوهان وینکرمن^۱ که علاقه وافری به فرهنگ یونانی داشت در پژوهش های خود در نیمه قرن هیجدهم میلادی سخن از رنگارنگ بودن آثار هنری یونان باستان مخصوصاً مجسمه ها بمیان می آورد. او بر این باور بوده است که هنر و فرهنگ یونان به مقدار بسیار از شمال آفریقا و آسیای غربی متأثر بوده است و معرفی رنگ سفید محض و مرمر صیقل شده را برای آثار یونانی مردود می شمرد. اما نتایج پژوهش های او دنبال نمی شود و بیشتر کوشش می شود تا این نتایج به انحراف کشیده شود و روی رنگ سفید آثار پافشاری می شود. از طرفی قرن هیجدهم میلادی مصادف با انقلاب صنعتی اروپا می شود در عصری که اروپا احساس می کند اکنون به یک انگیزه برای بازسازی فرهنگی نیز نیاز دارد تا پیشرفت های صنعتی را با غرور فرهنگی تکمیل کند. تمدن (سفید)^۲ یونان باید به گونه ای جلوه داده شود که اصالت دارد و شالوده ی اعتلای فرهنگی اروپا بشمار بیاید. آموزش زبان یونانی در مدارس رایج می شود و جو ستایش از فرهنگ اصیل یونان و رنگ سفید در سراسر

1 Nippon Hoso Kyoku(NHK)

2 Johan Joachim Wincklemann(1717-1768)

3 White Civilization

اروپا مستولی می شود. سفیدی یکدست لباس عروس در این دوران است که ترویج و تبلیغ می شود.

در این دوران است که سیر تخریب آثار اصیل یونانی ها در موزه انگلیس شروع می شود. اسنادی که در سال ۱۹۳۸ در موزه انگلیس کشف شده است شامل گزارش های مکتوب و ابزار ابتدائی بوده است. سند مزبور گزارش توصیف دستورالعمل مسئول موزه مبنی بر سائیدن و پاک کردن رنگ ها بوسیله ابزار در دست و وجود مخالفت های دیگران در مقابل این اقدام بوده است. اما رنگ ها بطور کامل از روی آثار محو می شوند. ظاهراً بعداً با افشای رسانه ها متخلفین از موقعیت و مقام خود ساقط می شوند.

حرکت انگلیسی ها در راستای محو نشانه های تاثیر تمدن و فرهنگ مصر و آسیای غربی (پرشیا، میان رودان) بر هنرهای یونانی ها مکمل حرکت تمامیت خواهانه و منحرف کننده دیگر کشورهای اروپائی و حتا خود یونان بوده است.

طبق گزارش های تاریخ نویس یونانی قرن پنجم پیش از میلاد هرودوت^۴، یونانی های بسیاری در عصر باستان در مصر و آسیای غربی زندگانی می کرده اند. یونانی ها به جهت تنگدستی و فقر در کشور خود به عنوان سرباز در این کشورها به استخدام در می آمدند. تنها در مصر حدود سی هزار سرباز یونانی بسر می برده است. یونانی ها سربازان فداکار و صادقی توصیف شده اند. فرعون مصر منطقه ای را به نام نافرانس(؟) در خاک مصر در اختیار آن ها قرار داده بوده است تا در آن جا اوقات فراغت خود را به یادگیری و فعالیت های هنری و غیره به پردازند. هم اکنون نیز آثار سنگی دست ساخت یونانی در این منطقه یافت می شود.

روی پاهای مجسمه ی رامسس دوم مصر یادداشت هائی به زبان یونانی کشف شده است که حاکی از بازدید یونانی های سرباز از این کاخ بوده است. درون این بنا(هرم) نقاشی های رنگارنگ برجسته ای وجود دارد که بی شک برانگیزنده یونانی ها بوده و آن ها را در خلق آثار خود الهام بخشیده است. یونانی ها پس از بازگشت به کشور خود به خلق آثار با شکوهی پرداختند که فارغ از تاثیر هنر و فرهنگ مصر و پرشیا و میان رودان نبوده است. پژوهش های علمی روی آثار یونانی ها کاربرد رنگ آبی مصری(Egyptian blue) و رنگ لاجوردی ایرانی^۵ (پرشیا)(Lazula Lapis) در رنگ آمیزی آثار یونانی ها را به اثبات رسانده است، که بدون شک حاصل تجربه ی مشاهدات آن ها و الهام از نقاشی های مصر باستان بوده است. علاوه بر رنگ آبی کاربرد رنگ های بسیار دیگر هم در آثار آن ها مشاهده گردیده است.

اخیراً با کمک از روش های گرافیک کامپیوتری نمای اصلی آثار بسیاری را باز سازی کرده اند که نشان از زیبایی و هم آهنگی شایسته ای در رنگ آمیزی آثار دارد. البته لطافت طبع و ظرافت سلیقه و دقت خالقین این آثار نیز تحسین برانگیز است.

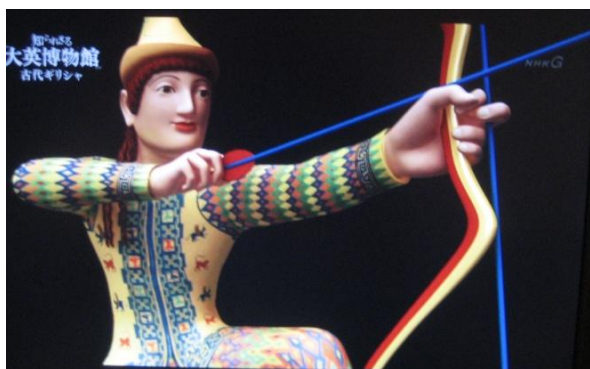
⁴ Herodotus(484-425BC)

^۵ در عصر باستان در جیرفت حیطة حکمرانی به نام ارته (ارتا و ارد از مشتقات این واژه است) وجود داشته است که اخیراً آثار هنری و فرهنگی بسیار با شکوه و ارزشمندی در این منطقه اکتشاف گردیده است. کوه های زاگروس در تحت حکمرانی آن قرار داشته اند. از این کوه ها سنگ های لاجورد استخراج می شده که بسیار مورد توجه و چشمداشت سومری ها در میان رودان بوده است. بارها و بارها سومری ها با ترفندهای بسیار قصد غصب این کوه و سنگ های لاجوردی آن را کرده اند. آن ها می خواستند از این سنگ ها قصری برای خدای خود اینانا در شهر اورک(در عراق امروز) بسازند. مرغ آنزو در این کوه آشیانه داشته و از آن حفظت می کرده است. ارته مقهور ترفندهای سومری ها نمی شود. مرغ آنزو تداعی گر سیمرغ است که در قله دماوند آشیانه داشت و زال پدر رستم را پرورش داد.

دو نمونه از آثار هنری یونانی ها پیش و پس از بازسازی معرفی می گردد.



نیایشگاه پارتنون (Parthenon) پیش (تصویر سمت راست) و پس از بازسازی (تصویر سمت چپ)



کمان گیری در پیش از بازسازی (تصویر سمت چپ) که سفید و صیقل شداست و پس از بازسازی (تصاویر سمت راست).

کلاه کمانگیر تداعی گر کلاه فریجی ایزد مهر (میترا) است.

۳ ژوئیه ۲۰۱۲ - اوساکا